



Iranian Independent Islamic Human Rights Commission
کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران
انجمن حقوق انسان اسلامیة فی ایران



[چالش عدم] اجرای حقوق بین الملل بشردوستانه در سرزمین های اشغالی فلسطین: به کدام سو

باید حرکت کرد؟

امور پژوهشی، آموزشی و ترویجی کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران

بهار ۱۴۰۴

توضیحات مقدماتی کمیسیون:

در خصوص وقایع خونین جاری در غزه در سراسر جهان هزاران یادداشت و تحلیل حقوقی منتشر شده و اغلب آنها تلاش کرده و می کنند تا ابعاد جنایات را برجسته و زمینه اجرای عدالت را فراهم آورند. در بسیاری از نوشته های تخصصی منتشره ، از انفعال و عدم تحرک شایسته شورای امنیت سازمان ملل و قدرت های دارای حق و تو انتقاد میشود و تاکید می گردد که موازین حقوق بشر و حقوق بین الملل بشردوستانه به بدترین شکل توسط اسرائیل و حامیانش نقض شده و میشوند اما سازوکار و مرجعی دارای قدرت لازم وجود ندارد که مانع جنایات ارتكابی گردد. این وضعیت موجب شده تا بسیاری از مخاطبان از پایان حقوق بین الملل یا عدم کارایی آن یا فقدان ضمانت اجرای موثر سخن به میان آورند. نوشتار حاضر متمرکز بر یک جنبه خاص از وقایع مربوط به نسل کشی در غزه و اقدامات بین المللی در زمینه اجرای قواعد حقوق بشردوستانه است. این نوشتار لغو برگزاری یک کنفرانس بین المللی در خصوص کنوانسیون چهارم ژنو در سوئیس را دستمایه تحلیل و تفسیر خود قرار داده و از عدم برگزاری کنفرانس مزبور که از منظر تلاش برای رعایت حقوق بشردوستانه بین المللی حائز اهمیت بوده، انتقاد کرده و توصیه نموده که هر چه سریعتر این مهم برگزار شود تا با حصول اجماع جهانی برای حمایت از رعایت موازین حقوق بشردوستانه به وضع رقت بار کنونی پایان داده شود. این مقاله هم چنین از راه حل دو کشوری اسرائیل ، فلسطین حمایت و پیشنهاداتی در این خصوص ارائه نموده است.

بدون هر گونه داوری محتوایی در خصوص دیدگاههای مطرح شده در این نوشتار، صرفا جهت اطلاع مخاطبان علاقمند به دیدگاههای فراملی مطرح شده در حوزه حقوق بشر و حقوق بشردوستانه، این نوشتار تقدیم مخاطبان ارجمند میشود با این امید که ارتقای آگاهی های عمومی موجب تقویت اراده و عزم دفاع از حقوق انسانی و تلاشگری جدی تر در این زمینه گردد.

♦ نویسنده : مونا ریشماوی، حقوقدان حوزه حقوق بین الملل بشر و از کارشناسان ارشد سابق ملل متحد و دارای تجربیات قابل توجه مشاوره و فعالیت در قبال بحران های مربوط به کشورهای کنگو، عراق، لیبی، سرزمین های اشغالی فلسطین، سوریه، سودان، سریلانکا

♦ برگردان فارسی: خانم شمیم ماهپوری دانش آموخته کارشناسی ارشد حقوق بین الملل و همیار کمیسیون، ویرایش و نهایی سازی متن در امور پژوهشی کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران، خرداد ۱۴۰۴

♦ ماخذ : سایت opiniojuris.org مورخ ۲۰۲۵/۴/۸ به زبان انگلیسی

متن مقاله:

اسرائیل بار دیگر حملات گسترده خود به نوار غزه را از سر گرفته است. تلفات غیرنظامیان به سرعت در حال افزایش است و کمک‌های بشردوستانه بار دیگر به مثابه سلاحی برای [تحمیل اراده خود بر طرف مقابل] مورد سوءاستفاده قرار می‌گیرد. در کرانه باختری، گسترش شهرک سازی های اسرائیلی ادامه دارد و حملات خشونت‌بار شهرک‌نشینان و نیروهای نظامی اسرائیل علیه فلسطینیان شدت یافته است. همزمان، محدودیت‌های شدید، تخریب منازل و آوارگی اجباری همچنان ادامه دارد و نگرانی‌ها از احتمال الحاق رسمی (de jure) بخش‌ها یا کل سرزمین‌های اشغالی فلسطین بعد از سال ۱۹۶۷ (OPT) توسط اسرائیل رو به افزایش است.

توافق‌های آتش‌بس میان اسرائیل و حماس منجر به آزادی ۱۴۷ گروگان و انتقال پیکرهای چهار نفر از مجموع ۲۵۱ گروگان اسرائیلی و اتباع خارجی تحت کنترل حماس و دیگر گروه‌های مسلح شده است. تنها هشت گروگان در نتیجه عملیات نظامی اسرائیل آزاد شدند. این آزادی‌ها عمدتاً در ازای تبادل با زندانیان و بازداشت‌شدگان فلسطینی صورت گرفت. اسرائیل متعهد به آزادی حدود ۱۹۰۰ فلسطینی از میان بیش از ۱۲,۰۰۰ نفری که هم‌اکنون در بازداشت دارد شده است، اما هنوز این تعهد را به‌طور کامل اجرا نکرده است.

در این برهه بحرانی، دولت‌ها فرصت مهمی را برای بازتأیید پایبندی به نظم بین‌المللی مبتنی بر قواعد حقوقی از دست دادند. در تاریخ ۶ مارس ۲۰۲۵، سوئیس اعلام کرد که کنفرانس کشورهای عضو کنوانسیون چهارم ژنو، که قرار بود برای بررسی اقدامات لازم جهت اجرای این کنوانسیون در سرزمین‌های اشغالی فلسطین در روز بعد برگزار شود، به دلیل فقدان اجماع و «اختلافات عمیق» میان دولت‌ها برگزار نخواهد شد. لغو این کنفرانس گامی در جهت نادرست تلقی می‌شود.

این مقاله استدلال می‌کند که لغو این کنفرانس ممکن است به بی‌تفاوتی نسبت به عدم رعایت حقوق بین‌المللی بشردوستانه (IHL) نه‌تنها در سرزمین‌های اشغالی فلسطین، بلکه در سایر درگیری‌های مسلحانه نیز دامن بزند. همچنین، به‌روزرسانی‌هایی درباره تحولات مرتبط با یک کنفرانس بین‌المللی دیگر ارائه خواهد شد.

پیشینه

در تاریخ ۱۸ سپتامبر ۲۰۲۴، مجمع عمومی سازمان ملل متحد قطعنامه ES-۱۰/۲۴ را تصویب کرد که نقشه راه مشخصی برای اجرای نظر مشورتی برجسته دیوان بین‌المللی دادگستری (ICJ) در ژوئیه ۲۰۲۴ ارائه می‌داد. این نظر مشورتی پیامدهای حقوقی تداوم اشغال کرانه باختری، از جمله بیت‌المقدس شرقی، و نوار غزه توسط اسرائیل را تبیین کرد.

بند ۱۲ قطعنامه مذکور از سوئیس، به‌عنوان امین کنوانسیون‌های ژنو، دعوت کرد کنفرانسی با حضور کشورهای عضو کنوانسیون چهارم ژنو برگزار کند تا اقدامات لازم برای اجرای این کنوانسیون در سرزمین‌های اشغالی فلسطین و «تضمین رعایت آن طبق ماده یک مشترک چهار کنوانسیون ژنو» بررسی شود. قرار بود این کنفرانس ظرف شش ماه پس از تصویب قطعنامه برگزار گردد.

این کنفرانس می‌توانست چهارمین نشست از این نوع درباره کنوانسیون چهارم ژنو در سرزمین‌های اشغالی فلسطین باشد. سه کنفرانس پیشین در سال‌های ۱۹۹۹، ۲۰۰۱ و ۲۰۱۴ برگزار شده بودند. به گفته م. لائز، ا. مکس و ا. هونه، این کنفرانس‌ها معمولاً پس از رایزنی‌های طولانی‌مدت برگزار می‌شدند که گاه سال‌ها به تعویق می‌افتادند. برای نمونه، اولین کنفرانس در سال ۱۹۹۷ درخواست شد، اما در سال ۱۹۹۹ برگزار گردید.

قطعنامه مجمع عمومی در سال ۲۰۲۴ با ۱۲۴ رأی موافق، ۱۴ رأی مخالف (از جمله ایالات متحده و اسرائیل) و ۴۳ رأی ممتنع به تصویب رسید. سوئیس، برخلاف برخی کشورهای اروپایی نظیر بلژیک، فنلاند، فرانسه، یونان، ایسلند، لوکزامبورگ، موناکو، نروژ و اسلوونی که به قطعنامه رأی مثبت دادند، به آن رأی ممتنع داد.

در ۱۴ نوامبر ۲۰۲۴، حدود دو ماه پس از تصویب قطعنامه، سوئیس علناً اعلام کرد که در حال تدارک برای برگزاری این کنفرانس است. اما در ۶ مارس ۲۰۲۵، اعلام کرد که به دلیل فقدان اجماع و «اختلافات عمیق» میان دولت‌ها، کنفرانس برگزار نخواهد شد. این تصمیم با انتقاد شدید چندین کارشناس مواجه شد.

تأملاتی بر لغو کنفرانس

درخواست برگزاری نشستی برای اجرای یک کنوانسیون نشان‌دهنده اعتقاد به مفاد و اهداف آن است و باید به‌عنوان ابزاری دیپلماتیک برای حل مسائل، مورد تشویق و تقدیر قرار گیرد. از این‌رو، لغو نشست کشورهای عضو کنوانسیون چهارم ژنو در سرزمین‌های اشغالی فلسطین نگرانی‌های جدی ایجاد می‌کند. [از جمله موارد زیر:]

اول، سرکوب گفت‌وگوهای معنادار درباره اجرای کنوانسیون‌های ژنو ممکن است اهمیت نقض‌های حقوق بین‌الملل بشردوستانه را نه تنها در سرزمین‌های اشغالی فلسطین، بلکه در سایر درگیری‌های مسلحانه، به‌ویژه در فضای کنونی معامله‌محور بین‌المللی، کمرنگ کند. در زمانی که قربانیان جنگ به توانایی حقوق بین‌الملل بشردوستانه برای حفاظت از خود تردید دارند، نیاز به ابتکارهایی برای بازتأیید حقوق بین‌الملل بیش از پیش احساس می‌شود. چنین کنفرانسی می‌توانست تعهد جهانی به حمایت‌های مندرج در کنوانسیون ژنو را تقویت کند. هنگامی که اکثریت دولت‌ها قاطعانه از قواعد حمایت کنند، اجرای آن‌ها محتمل‌تر می‌شود. تلاش دیپلماتیک برای جلب پایبندی به حقوق بین‌الملل بشردوستانه می‌توانست الگویی برای بسیج حمایت از کنوانسیون‌های ژنو در دیگر محیط‌های درگیری مسلحانه جدی، مانند اوکراین و سودان، ارائه دهد.

دوم، لغو کنفرانس شکاف‌های ساختاری در اجرای حقوق بین‌الملل بشردوستانه را بیش از پیش آشکار کرد. اتخاذ اقدامات برای اجرای کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ و پروتکل‌های الحاقی آن‌ها همواره چالش برانگیز بوده است. اگرچه این اسناد شامل مفاد محکمی برای پیگرد نقض‌های فاحش [حقوق بشردوستانه و حقوق بشر] هستند، اما از نظر روش‌های اجرا محدودیت‌های ساختاری دارند. برخلاف معاهدات جدید دیگر، کنوانسیون‌های ژنو فاقد بندهای حل اختلاف برای مناقشات مربوط به تفسیر یا اجرای مفادشان هستند. همچنین هیچ سازوکار گزارش‌دهی یا فرآیند بازبینی دیگری برای ارزیابی پایبندی وجود ندارد.

فرآیندهای حقوق بشری سازمان ملل برخی از شکاف‌های حفاظتی را پر می‌کنند، اما اجرای حقوق بین‌الملل بشردوستانه عمدتاً به اقدامات میدانی وابسته است که به اراده طرف‌های درگیر بستگی دارد. نبود «پلتفرم اختصاصی برای گفت‌وگو و همکاری منظم میان دولت‌ها در مسائل حقوق بین‌الملل بشردوستانه» در گزارش نهایی کنفرانس بین‌المللی صلیب سرخ و هلال احمر در سال ۲۰۱۵، پس از یک فرآیند چهارساله درباره تقویت پایبندی به حقوق بین‌الملل بشردوستانه که توسط دولت فدرال سوئیس و کمیته بین‌المللی صلیب سرخ (ICRC) سازمان‌دهی شده بود، به رسمیت شناخته شد. وجود چنین پلتفرمی می‌توانست نیاز به برگزاری نشست‌های ویژه کشورهای عضو، که توسط مجمع عمومی سازمان ملل درخواست شده بود، را کاهش دهد.

سوم، در این زمینه، نقش رهبری امین کنوانسیون‌ها در تلاش برای اجرای قواعد [حقوق بشردوستانه] اهمیت بیشتری می‌یابد. سوئیس به‌عنوان امین کنوانسیون‌های ژنو بارها تأکید کرده است که تعهد به این کنوانسیون‌ها اولویت سیاست خارجی آن و نمادی از سنت دیرینه بشردوستانه‌اش است. سوئیس به‌طور سنتی نقش خود را به یک بایگان،

دبیر یا دفتر اسناد رسمی که صرفاً اسناد امضاء، الحاق یا ترجمه به زبان‌های ملی را نگهداری می‌کند، محدود نکرده است. این کشور از کنوانسیون‌های ژنو و پروتکل‌های آن‌ها حمایت کرده و به‌طور ستودنی برای تقویت پابندی به حقوق بین‌الملل بشردوستانه تلاش کرده است. اما انتظار می‌رود که سوئیس اقدامات بیشتری انجام دهد. در این مورد، دستیابی به اجماع در فضای پرتنش کنونی بین‌المللی شاید خواسته‌ای دشوار بود. با این حال، اگر سوئیس احساس می‌کرد که در رایزنی‌ها برای کنفرانس مارس ۲۰۲۵ به بن‌بست رسیده است، می‌توانست گفت‌وگوها را برای مدت بیشتری ادامه دهد یا فرآیند را، همان‌طور که پیش‌تر انجام داده بود، به حالت تعلیق درآورد، به‌جای آنکه کنفرانس را لغو کند. این گزینه‌ای معقول‌تر بود.

چهارم، کنفرانس کشورهای عضو می‌توانست به تعمیق درک ما از ماده یک مشترک کنوانسیون‌های ژنو کمک کند. قطعنامه مجمع عمومی درباره کنفرانس به این ماده کلیدی استناد می‌کند که در هر چهار کنوانسیون [ژنو] یکسان است و مقرر می‌دارد: «کشورهای عضو متعهد می‌شوند که این کنوانسیون را در هر شرایطی رعایت کنند و رعایت آن را تضمین کنند».

کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در تفسیرهای خود در سال‌های ۲۰۱۶ (راجع به کنوانسیون اول ژنو) و ۲۰۲۰ (راجع به کنوانسیون سوم ژنو) تأیید می‌کند که کنوانسیون‌ها تعهداتی عام الشمول (erga omnes) ایجاد می‌کنند، یعنی تعهداتی که [هر دولت عضو نسبت] به همه کشورهای عضو دیگر دارد و مدیون است. کمیته بین‌المللی صلیب سرخ با اذعان به اینکه عبارت «تضمین رعایت» موضوع بحث بوده است، تأکید می‌کند که کلمات «رعایت و تضمین رعایت» صرفاً اضافات روشی و لفظی نیستند، بلکه بازتاب شناخت دولت‌ها از ضرورت اتخاذ تمام اقدامات معقول برای پیشگیری از نقض‌ها در وهله اول است. این وظیفه نه‌تنها به درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی، از جمله اشغال مانند فلسطین و اوکراین، بلکه به درگیری‌های مسلحانه غیربین‌المللی تحت ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های ژنو، مانند سودان، نیز اعمال می‌شود.

تفسیرهای کمیته بین‌المللی صلیب سرخ همچنین تأکید دارند که این ماده نه‌تنها هر کشور عضو را ملزم به تضمین پابندی خود به کنوانسیون‌ها می‌کند، بلکه دولت‌ها را موظف می‌سازد تا گام‌هایی برای تضمین پابندی دیگران در درگیری‌های مسلحانه بردارند. این وظیفه شامل تعهدات منفی (عدم تشویق، کمک یا مشارکت در نقض کنوانسیون‌ها) و تعهدات مثبت (اتخاذ تمام اقدامات معقول برای پیشگیری و توقف نقض‌ها) است. عملیاتی کردن این اصول در خصوص یک درگیری خاص می‌تواند حمایت معناداری از حقوق بین‌الملل بشردوستانه فراهم کند.

اقدامات مشخص برای پیشبرد اجرای حقوق بین الملل بشردوستانه، که حول ماده یک مشترک [کنوانسیون های ژنو] شکل گرفته اند، برای موقعیت هایی مانند درگیری و اشغال بین المللی در فلسطین و اوکراین، و نیز درگیری های غیربین المللی مانند سودان، به شدت مورد نیاز است.

موضع کمیته بین المللی صلیب سرخ توسط دیوان بین المللی دادگستری در نظر مشورتی فلسطین تقویت شده است. بند ۲۷۹ این نظر مشورتی اعلام می دارد:

«همه دولت های عضو کنوانسیون چهارم ژنو موظف اند، با رعایت منشور سازمان ملل متحد و حقوق بین الملل، پایبندی اسرائیل به حقوق بین الملل بشردوستانه مندرج در این کنوانسیون را تضمین کنند».

کنفرانس کشورهای عضو می تواند فرصتی برای تبیین عملی این بند فراهم کند.

کنفرانس بین المللی آتی درباره راه حل دو کشوری

دولت ها در ژوئن ۲۰۲۵ فرصت دیگری برای بررسی وضعیت در سرزمین های اشغالی فلسطین خواهند داشت. بند ۱۳ قطعنامه مجمع عمومی تصمیم به «برگزاری یک کنفرانس بین المللی تحت نظارت مجمع برای اجرای قطعنامه های سازمان ملل مربوط به مسئله فلسطین و راه حل دو کشوری برای دستیابی به صلح عادلانه، پایدار و جامع در خاورمیانه» گرفت. دبیرکل سازمان ملل در گزارش خود (بند ۱۶) اعلام کرد که این کنفرانس در نیویورک برگزار خواهد شد و به طور مشترک توسط فرانسه و عربستان سعودی هدایت می شود.

دستیابی به صلح عادلانه، پایدار و جامع در خاورمیانه نیازمند توجه به واقعیت های موجود در کرانه باختری و نوار غزه است. علاوه بر مسائل حقوق بین الملل بشردوستانه مرتبط با رفتار در عملیات های مخاصمه و اشغال، کنفرانس [مورد اشاره] باید به دستورهای موقت دیوان بین المللی در پرونده دادخواست آفریقای جنوبی علیه اسرائیل با موضوع نسل کشی، احکام بازداشت دیوان کیفری بین المللی، مسئله حق تعیین سرنوشت، و موضوع تبعیض نظام مند یا آپارتاید پردازد. در اینجا چهار نکته قابل توجه است:

نخست، کنفرانس می تواند نیاز به اجرای احکام قضایی را تقویت کند. درباره دستورهای موقت دیوان بین المللی دادگستری، مجمع عمومی توانسته است دولت ها را تحت فشار قرار دهد تا رفتارشان را با حقوق بین الملل همسو کنند. مقاله ای منتشر شده در سال ۲۰۲۲ نشان می دهد که دستورهای موقت تحت کنوانسیون پیشگیری و مجازات جنایت نسل کشی الهام بخش اقداماتی در مجمع عمومی بوده است، از جمله در پرونده هایی مانند دعوای بوسنی و هرزگوین علیه یوگسلاوی (صربستان و مونته نگرو) و دعوای اوکراین علیه فدراسیون روسیه. این دستورهای موقت

دیوان ارزیابی اولیه قضایی درباره مسائل ارائه می‌دهند و به‌عنوان نقطه مرجع مهمی برای تدوین موضوعات و بررسی اقدامات جبرانی عمل می‌کنند. احکام مندرج در دستورهای موقت صادره در پرونده دعوی آفریقای جنوبی علیه اسرائیل نیز از این قاعده مستثنی نیستند.

مجمع عمومی می‌تواند نقش محوری در تأکید بر ضرورت رعایت حاکمیت حقوق بین‌الملل ایفا کند، از جمله از طریق جلب حمایت از دیوان کیفری بین‌المللی به‌عنوان یک نهاد و درخواست همکاری با احکام بازداشت آن. همچنین می‌تواند پیگرد قانونی تحت کنوانسیون‌های ژنو و کنوانسیون [منع] شکنجه سازمان ملل را ترویج کند.

دوم، بحث‌های گسترده‌ای درباره چگونگی توصیف وضعیت در کرانه باختری وجود دارد: آیا این تبعیض نظام‌مند است یا آپارتاید؟ گزارش اخیر دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل مستنداتی درباره گستره سیاست شهرک‌سازی اسرائیل، اقدامات الحاق، و قوانین و اقدامات تبعیض‌آمیز مرتبط ارائه کرده است که همگی توسط دیوان بین‌المللی در نظر مشورتی‌اش به‌عنوان [مصادیق] مغایر با حقوق بین‌الملل تأیید شده‌اند. گزارش مذکور آمارهایی ارائه می‌دهد که شواهد بیشتری برای آنچه دیوان به‌عنوان «رژیمی از محدودیت‌های جامع» توصیف کرده و توسط اسرائیل بر فلسطینیان در سرزمین‌های اشغالی اعمال می‌شود، فراهم می‌کند و «تبعیض نظام‌مند» مبتنی بر نژاد، دین یا منشأ قومی را تشکیل می‌دهد. برای مثال، در ۱۲ ماه از ۱ نوامبر ۲۰۲۳، دولت اسرائیل گام‌هایی برای اجرای برنامه‌های ساخت بیش از ۲۰,۰۰۰ واحد مسکونی در شهرک‌های جدید یا موجود در بیت‌المقدس شرقی برداشته است، در حالی که ۲۱۴ ملک و سازه فلسطینی در بیت‌المقدس شرقی تخریب شده‌اند. این حقایق به سمت اقدامات ممنوعه جداسازی و آپارتاید، علاوه بر ممنوعیت‌ها و نقض‌های فاحش حقوق بین‌الملل بشردوستانه، پیش می‌روند.

سوم، دیوان در نظر مشورتی خود به ماده ۳ کنوانسیون بین‌المللی رفع تبعیض نژادی (CERD) استناد کرد که مقرر می‌دارد: «دولت‌های عضو به‌ویژه جدایی نژادی و آپارتاید را محکوم می‌کنند و متعهد می‌شوند که تمامی اقدامات این گونه را در قلمروهای تحت صلاحیت خود پیشگیری، ممنوع و ریشه‌کن کنند».

پیامدهای حقوقی استفاده از اصطلاحات «جداسازی» یا «آپارتاید» متفاوت است و نظرات جداگانه دو قاضی شامل «سلام» و «تلادی» [ارائه شده در روند اعلام نظر مشورتی دیوان] به‌وضوح از طبقه‌بندی آپارتاید حمایت می‌کنند. به گفته قاضی «ایواساوا»، آپارتاید هم نقض حقوق بشر بین‌المللی است و هم جرمی بین‌المللی که می‌تواند مسئولیت دولتی و مسئولیت کیفری فردی را به دنبال داشته باشد. آپارتاید تحت کنوانسیون خاص و هم چنین اساسنامه

رم]مربوط به ایجاد دیوان کیفری بین المللی] تحت پوشش قرار دارد و شامل سیاست‌های عمدی برای اعمال سلطه نژادی و سرکوب نظام‌مند است. قاضی سلام تأکید می‌کند: «هیچ شکی وجود ندارد که ممنوعیت آپارتاید یک هنجار عرفی است که به‌عنوان هنجاری آمره شناخته می‌شود و نقض آن جرمی علیه بشریت محسوب می‌شود.».

در مقابل، جدایی نژادی ممکن است بدون چنین قصدی رخ دهد و از عوامل اجتماعی، اقتصادی یا سیاسی ناشی شود، اما همچنان به نتایج تبعیض آمیز منجر شود. در اوت ۲۰۲۴، کمیسیون آشتی موقت و موردی (Ad Hoc) تشکیل شده توسط کمیته منع تبعیض نژادی به «ارزیابی نگران‌کننده چندین نهاد سازمان ملل درباره جدایی میان فلسطینیان و اسرائیلی‌ها به‌عنوان بخشی از سیاست‌ها و اقداماتی که اسرائیل از طریق اعمال دو نظام حقوقی متفاوت، جداسازی راه‌ها و محدودیت‌های حرکتی تحمیل کرده است» اشاره کرد. این کمیسیون اظهار داشت که این اقدامات «در صورت عدم اقدام مؤثر اسرائیل برای رفع مشکلات مطرح‌شده، ممکن است به وضعیت آپارتاید منجر شوند.» چنین هشدارهایی به اثبات نیت مجرمانه برای جرم آپارتاید کمک می‌کند.

چهارم، مجمع عمومی [سازمان ملل]همچنین از دبیرکل [سازمان ملل]خواست که «پیشنهادهایی برای ایجاد سازوکاری برای پیگیری نقض‌های ماده ۳ کنوانسیون منع تبعیض نژادی از سوی اسرائیل که توسط دیوان در نظر مشورتی شناسایی شده است» ارائه دهد. در گزارش خود (بند ۱۸)، دبیرکل دو گزینه پیشنهاد داد: یا ایجاد «یک سازوکار مستقل بر اساس مدل کمیته ویژه سازمان ملل علیه آپارتاید، همان‌طور که در قطعنامه ۱۷۶۱ و تقویت‌شده در قطعنامه‌های بعدی، به‌ویژه قطعنامه ۲۶۷ تأسیس شد»، یا اعطای مأموریت به کمیسیون تحقیق بین‌المللی مستقل درباره سرزمین‌های اشغالی فلسطین. هر یک از این گزینه‌ها می‌تواند به پیشبرد موضوع کمک کند.

نتیجه‌گیری

لغو کنفرانس کنوانسیون چهارم ژنو تلاش‌ها برای رعایت حقوق بین‌الملل بشردوستانه را نه‌تنها در سرزمین‌های اشغالی فلسطین، بلکه در سایر درگیری‌ها تضعیف می‌کند. این اقدام شکاف‌های ساختاری در اجرای این حقوق را برجسته کرده و نگرانی‌هایی درباره فشارهای سیاسی ایجاد می‌کند. سوئیس، به‌عنوان امین کنوانسیون‌ها، گزینه‌های جایگزینی جز لغو کنفرانس داشت. کنفرانس آتی سازمان ملل درباره راه‌حل دو کشوری فرصتی دیگر برای اقدام به‌منظور توقف رنج غیرنظامیان و دستیابی به صلح پایدار مبتنی بر عدالت ارائه می‌دهد. رهبرانی که این هدف را محقق کنند، به‌راستی شایسته دریافت جایزه صلح نوبل خواهند بود.